

تاریخ گردی



اصفهان

فرشته شیرزادی

عکس‌ها:

مرتضی صالحی

«چه کسی می‌تواند ادعا کند که زیباترین شهر جهان را دیده است بی آنکه اصفهان را دیده باشد؟» این جمله‌ای است از «آندره مالرو» نویسنده شهیر فرانسوی که نخستین دهه‌های قرن بیستم، ایران را گشته است. اصفهان در میان شهرهای ایران گوه‌ری یگانه است که به دنبال فراز و فرودهای تاریخی همچنان درخششی ناب و سحرانگیز دارد. چنان تازه و پرمطراوت است که گویی امروز پا به عرصه هستی نهاده و چنان اصیل و ریشه‌دار که گویی همواره بوده است. به میدان نقش جهان که پا بگذاری و به سمت ضلع شمالی آن حرکت کنی چشمت به سردر بازاری قدیمی معروف به بازار قیصریه می‌افتد. سردری قدیمی و بلند به همراه کاشی‌کاری فیروزه‌ای رنگ و نقاشی با قدمت بسیار زیاد و رنگ باخته از جنگ شاه‌عباس صفوی که نظرها را به سمت خود می‌کشاند و نزدیک به یک قرن پیش در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

بازار ساخته شده توسط استاد علی اکبر معمار اصفهانی هنوز هم یکی از زیباترین بازارهای اصفهان است

قیصریه، قوسی آذر

صدای همه‌مهمه مردم و دکان‌دارها به گوش می‌رسد. صنایع دستی که در هر حجره به نمایش گذاشته شده‌اند نظرها را به سمت خود جلب می‌کنند. کمی که بازار قیصریه را جلوتر بروی به تیمچه‌ای می‌رسی با عنوان تیمچه ملک‌التجار. دور تا دور تیمچه کارگاه‌های قلم‌کاری و حجره‌های سماورسازی است، پیشتر به این قسمت راسته سماورسازان هم گفته می‌شد. حوضی آبی رنگ به سبک صفوی در میان تیمچه وجود دارد به همراه چاپخانه کوچکی همراه با میز و صندلی چوبی و گل‌های شمعدانی در میان آن. روبه‌روی چاپخانه، پله‌هایی با ارتفاع زیاد از جنس چوب و سنگ وجود دارد که با مشقت بسیار می‌بایست از آن بالا بروی. همه جا کاملاً ساکت و تاریک است. به بام تیمچه که پا بگذاری صدای ضرب مهر قلمکار و خوش و بش پیرمردی به گوش می‌رسد. درهای چوبی قدیمی باز و کارگاه قلم‌کاری با نور ضعیفی دیده می‌شود. استاد عباس ترکی با دستان سیاه شده از رنگ، در حال هنرنمایی هر چه تمام‌تر بر صفحه سفید پارچه است؛ مردی خوش‌خنده و هنرمند. سماورش کنار دستش در حال قل‌قل کردن است هر کس وارد حجره‌اش می‌شود برایش چای خوش‌رنگ و قند پهلویی در فنجان کمرباریک ریخته و به او تعارف می‌کند. استاد ترکی با مهارت و چابکی بسیار، مهر خود را بر رنگ سیاهی می‌زند و مشغول نقش‌آفرینی اولیه و ماهرانه بر صفحه سفید پارچه است. مهرهای متنوعی در گوشه کارگاه به همراه رنگ‌های گوناگون وجود دارد. استاد ترکی با تخته چوبی که همراه با پارچه‌ای به دور دست و میج خود پیچیده پس از هر نقش زدن با مهر ضربه‌ای بسیار محکم با کنار دست خود روی آن می‌زند تا همه طرح بر پارچه نقش بگیرد. حاشیه‌ها را مهری ظریف‌تر و میان کار را با مهری متفاوت نقش‌آفرینی می‌کند.

در این سردر نماد قوس آذر نقش شده است که نماد اصفهان هم هست. ترکیبی از سرانسان و بدن شیر که از دم آن آذلهایی آتش به دهان بیرون آمده است. انسان حاضر در نگاره، با کمائی در دست، دم خود یعنی آذله‌ها را نشانه گرفته است.

بازار قیصریه بیشتر از چهار قرن پیش با دستور شاه‌عباس اول و به‌دستان توانمند استاد علی اکبر معمار اصفهانی ساخته شد و قسمت قدیمی شهر اصفهان به نام کهنه میدان (میدان قیام امروزی) یا اصفهان عصر سلجوقی را به بخش جدید اصفهان در دوره صفویه وصل می‌کرده است. بازاری بزرگ و باشکوه که در سه طبقه مرتفع ساخته شد؛ طبقه دوم به امور دفتری و بازرگانی اختصاص داشت و طبقه اول اصناف مختلف در کنار هم قرار داشتند. طبقه سوم بازار هم که امروز تخریب شده در گذشته نقاره‌خانه بوده است. از این بازار بزرگ و مجلل بازارهای دیگری منشعب می‌شدند و برخی از آن‌ها همچنان فعال هستند و به مشاغل مختلف اختصاص دارند. چهارسوی بازار یکی از این بخش‌های بازار است با گنبد زبیا و تزئینات مقرنس‌های اسلیمی که از جنوب به بازار قیصریه، از شمال به تیمچه ضرباخانه، از شرق به ضرباخانه سلطنتی و از غرب به کاروانسرا محدود می‌شود. در شرق بازار، ضرباخانه قرار دارد که در دوره صفویه محل ضرب سکه بوده و در زمانه امروز تبدیل به بانک شده است. بخش مهم دیگر بازار قیصریه، کاروانسرای شاهی است که در قسمت غربی بازار قرار دارد و در دو طبقه دارای ۱۵۰ حجره است. در گذشته این مکان به عنوان کاروانسرا و محلی برای مدیریت راسه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروزه کاروانسرای شاهی بیشتر با نام سرای ملک‌التجار در بین بازاری‌ها شناخته می‌شود.